

عدالت اقتصادی
به خودی خود
محقق نمی‌شود
و نظام اجتماعی
برای رسیدن به
نقطه‌توازن نیازمند
فرایندی ایجاد
است و حاکمان و
مدیران اجتماعی
پاسخ‌گویان اصلی
آن خواهند بود.

مستقیم در ایجاد توازن و پویایی سیستم، تأثیرگذار است و نمی‌توان سیاستی را برای فقرزدایی پیشنهاد داد و به این موضوع مهم توجه نداشت. بدیهی است که محل ظهور و اثرگذاری این شرایط «در ظروف تحقق» است؛ بنابراین هنگامی رشد یک سیستم عادلانه است که این رشد به صورت «متوازن» اتفاق افتد. لازمه چنین امری نیز ناشی از «حق مداری» رشد و نیز توجه به «نسبیت شرایط» است. اکنون سؤال این است که چرا و چگونه و در چه قلمرویی «عدم امکان رشد متوازن» به وجود می‌آید؟ و چگونه می‌توان سیاستی را پیشنهاد داد که بتواند پاسخ‌گوی این سه سؤال اساسی باشد.

عدالت اقتصادی در بستر یک ساختار عادلانه اقتصادی تحقق می‌یابد. اگر سه حوزه اصلی در یک نظام اقتصادی را حوزه‌های «تولید»، «مبادله» و «مصرف» بدانیم، در این صورت تجلی عدالت اقتصادی در سه حوزه مذکور، ضرورت می‌یابد. ضمن آنکه از ضرورت‌های عدالت این است که در ابتدا تنظیمات حقوقی عادلانه در درون هرکدام از این حوزه‌ها صورت پذیرد و دیگر اینکه توازن نسبی و منطقی میان هرکدام از این حوزه‌ها و ابعاد بیرونی و پیرامونی هرکدام از آن‌ها در رابطه متقابل با یکدیگر تحقق یابد. تأمین و تضمین این استلزام، دقت در «کیفیت توزیع و تنظیم» روابط است. از این جهت در هر سه حوزه، مهم آن است که «کیفیت توزیع و تنظیمات» در زنجیره و فرایند تولید و مصرف کالا، به طور عادلانه برقرار شود و بر اساس نهادها و تنظیمات حقوقی عادلانه ساماندهی گردد. سهل‌ترین روش در این خصوص دستیابی به اصولی است که بتواند متضمن تحقق عدالت در سه حوزه مزبور باشد.

در اینجا آنچه در راستای سیاست عدالت اقتصادی اهمیت دارد، ایجاد دستیابی به «رشد متوازن» است که این امر در یک نظام عادلانه اقتصادی صرفاً از طریق ایجاد توازن نسبی بین «الگوی مصرف» و «نظام تولید» و از طریق «مکانیسم مبادله» امکان‌پذیر است. الگوی جامع «نهضت ملی مبارزه با بی‌عدالتی اقتصادی» بر همین اساس استوار است. به عبارت دیگر، می‌خواهیم ادعا کنیم که بهترین روش برای حل بنیادین و همه‌جانبه معضل بی‌عدالتی اقتصادی «دستیابی به سیاست عمومی تنظیم و توازن نسبی بین الگوی مصرف و نظام تولید» است.

در انتها باید افزود برای آنکه بتوان «یک نظام عادلانه اقتصادی» را محقق ساخت، لازم است به ترتیب در چهار قلمرو ذیل، اقدامات اساسی انجام گیرد: الف) شناسایی و تنظیم الگوی مصرف بر اساس اصل «کفایت نسبی»؛ ب) طراحی و تنظیم نظام تولید بر اساس اصل «احیای نسبی»؛ ج) ایجاد هماهنگی و مدیریت «سازگار مبادله» بر اساس اصل عمومی «انصاف»؛

د) ایجاد سازگار «قوام‌بخشی به اموال».